

بررسی تغییرات واژگانی در جامعه زبانی شهر گرگان بر اساس متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت، و تحصیلات

یدالله پرمون*

ندا ازکیا**، مهناز کربلائی صادق***

چکیده

زبان پدیده‌ای است اجتماعی که پیدایش آن به زمان نخستین اجتماعات انسانی باز می‌گردد و همچون «نهادی انسانی» و متعلق به جامعه، در ارتباط با تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع بشری، شکل می‌گیرد. مطالعات جامعه‌شناختی زبان نشان داده است که ساخت و کاربرد زبان بی‌تأثیر از عوامل اجتماعی و متغیرهای غیرزبانی، مانند جنسیت، سن، تحصیلات، قومیت، طبقه اجتماعی و غیره نیست. بررسی گویش‌های شهری و تحولات آن نیز یکی از زیر شاخه‌های جامعه‌شناسی زبان محسوب می‌شود. اما پیش‌تر، در مطالعات گویشی، محققان اغلب به بررسی گویش‌های روستایی می‌پرداختند و به تبع آن گویش‌های شهری مورد غفلت قرار می‌گرفت. این امر خود بدان دلیل بود که، در بررسی‌های گویش‌شناسی، نیروهای محرک بر فیلولوژی تطبیقی استوار بود و شهرها، به علت مهاجرت افراد از روستاها، اهمیت خود را به لحاظ فیلولوژی از دست می‌دادند. زمانی که تأکید بر این امر (فیلولوژی) در بررسی‌های زبان‌شناختی تغییر یافت، تمایل به مطالعات شهری افزون گردید. در پژوهش حاضر، نگارندگان به بررسی تغییرات واژگانی در جامعه زبانی شهر گرگان، با توجه به عوامل سن، جنسیت و تحصیلات، پرداخته و

* استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

n_azkia@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۴

هم‌بستگی میان تغییرات واژگانی براساس متغیرهای اجتماعی مذکور را، با بهره‌گیری از روش میدانی و انتخاب جمعیت نمونه، ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان دادند که متغیر اجتماعی سن مهم‌ترین عامل در تغییر واژه محسوب می‌شود و متغیرهای جنس و تحصیلات نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند. همچنین این متغیر در تغییرات واجی و آوایی در این جامعه زبانی نقشی عمده دارد. بنابراین متغیر سن مهم‌ترین شاخص این تغییرات محسوب می‌گردد و می‌تواند خطری در راستای از میان‌رفتن گویش اصیل این جامعه زبانی باشد.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی شهری، متغیر زبانی، سن، جنسیت.

۱. مقدمه

جامعه‌شناسی روابط انسانی در جامعه را مطالعه و بررسی می‌کند (وود، ۱۳۶۹: ۱۱) و جامعه‌شناسی زبان به عنوان یکی از علوم میان‌رشته‌ای که در نتیجه تعامل زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی پدید آمده است زبان را همچون پدیده‌ای اجتماعی در بافت اجتماعی- فرهنگی بررسی می‌کند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۰). زبان به عنوان نهادی اجتماعی، از یک سو، برای ایفای نقش ارتباطی خود نیازمند ثبات است و، از سوی دیگر، به موازات دگرگونی‌هایی که در سطح جامعه پدید می‌آید ناگزیر دچار تغییر می‌شود و خود را با نیازهای زمان منطبق می‌سازد (همان). اگر زبان از یک ثبات نسبی برخوردار نباشد، نمی‌تواند نقش ارتباطی خود را به نحو مطلوبی ایفا کند و نیز، اگر تحول نیابد و برای برآوردن نیازهای ارتباطی تازه جامعه دگرگون نشود، به ابزاری ناقص تبدیل می‌شود که پاسخ‌گوی نیازهای روز گویندگان خود نخواهد بود. بنابراین، منطقی است که دگرگونی‌های زبانی رفته‌رفته به شیوه‌ای انجام پذیرد که ضمن منعکس کردن تدریجی دگرگونی‌های اجتماعی به نقش ارتباطی زبان نیز خللی وارد نیاید (همان: ۶). پیدایش وسایل ارتباط جمعی مانند رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، اینترنت، و ماهواره) و نیز گسترش سوادآموزی سبب برخورد زبان‌های مختلف و آشنایی گویندگان زبان‌ها و گویش‌های محلی با زبان رسمی یک کشور می‌شود. این پدیده به نوبه خود منجر به گسترش زبان‌های رسمی و در مواردی سبب از میان‌رفتن تدریجی زبان‌های غیررسمی و گویش‌های محلی در سطح کشور می‌شود (همان). در این راستا، پژوهش حاضر براساس گویش‌شناسی شهری به بررسی ارتباط میان متغیرهای اجتماعی (سن، جنسیت، تحصیل) و متغیر زبانی (واژه) در جامعه شهری گرگان می‌پردازد. به این منظور،

ابتدا پیشینه‌ای از مطالعات انجام‌شده در این زمینه ذکر شده و سپس مختصری از خصوصیات جامعه شهری گرگان بیان می‌شود. پس از آن داده‌های پژوهش، در دو بخش مجزا، بر اساس متغیرهای اجتماعی، تحلیل می‌شوند.

۲. گویش‌شناسی شهری

بررسی گویش‌های شهری و تحولات آن‌ها یکی از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی زبان محسوب می‌شود. پیش‌تر، اکثر گویش‌شناسان بر مطالعه گویش‌های روستایی تمرکز داشتند و، چون گویش‌های شهری را، به علت تأثیرات مهاجران، فاقد فیلولوژی غنی می‌دانستند، به آن‌ها نمی‌پرداختند. زمانی که بر فیلولوژی در بررسی‌های زبان‌شناختی دیگر تأکیدی نبود، تمایل به مطالعات جامعه‌شناختی گویش‌های شهری افزون گردید (Chambers, 1980: 55). از آن پس، بررسی‌های بسیاری بر گویش‌های شهری صورت گرفت، اما اکثر آن‌ها بر گویش‌شناسی سنتی استوار بود به طوری که ابعاد اجتماعی آن نادیده گرفته می‌شد (همان). اولین اثری که برخی عوامل بیرونی در آن لحاظ گردید *واج‌شناسی کاکنی* سیروتسن (Sirvetsen) بود که در ۱۹۶۰ منتشر شد. در این تحقیق، گویش‌شناسی روستایی با توجه به متغیرهای سن و جنسیت بر یکی از بزرگ‌ترین شهرها صورت گرفت. پس از او دی‌کمپ (Decamp) و ویرک (Vierek) نیز مطالعاتی همانند آن انجام دادند و در این تحقیقات به تأثیر عوامل بیرونی توجه شد (همان).

۱.۲ پیشینه‌ای بر گویش‌شناسی شهری انسانی و مطالعات فرهنگی

پیشرفت زبان‌شناسی و علمی شدن آن با تحولات علوم اجتماعی ارتباط مستقیمی داشته است که این علوم به نوبه خود متأثر از علوم تدقیقی بوده‌اند. تحولات اجتماعی پس از رنسانس اندیشه‌های بشری را به سوی تحقیقات و مطالعات عینی بیش‌تر سوق داد و زبان، که یکی از مشخصه‌های حیات انسانی است، در این مسیر مورد توجه قرار گرفت (باطنی، ۱۳۸۱: ۶۵-۶۶).

ویلهلم هومبولت (Wilhelm Homboldt) (۱۷۶۷-۱۸۳۵) از جمله زبان‌شناسانی است که به بررسی زبان در بُعد اجتماعی آن می‌پردازد. وی زبان را نوعی فعالیت و نیروی سازنده و فعال ذهن می‌انگارد. به باور وی، برای دستیابی به فرهنگ یک قوم، نخست

باید به بررسی واژه‌های زبان آن پرداخت، چرا که این واژه‌ها هستند که دنیای پیرامون آن‌ها را شکل می‌دهند (باطنی، ۱۳۸۱: ۶۸). به عقیده نگارندگان، نظر یاد شده به نوعی یادآور «جبر زبانی» است که بعدها از سوی سایپر و ورف مطرح می‌شود. اما، از دید اجتماعی، این مفهوم یکی از انگیزه‌هایی است که به زبان‌شناسی، در رابطه با جامعه، پایه علمی و عینی می‌بخشد.

از ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۵ نیز جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکم (Durkheim) زبان را امری اجتماعی معرفی کرد و به آن جنبه «نهادی» داد و حالات حاکم بر نهادهای اجتماعی را درباره زبان نیز صادق دانست (همان: ۷۰). آنتوان میه (Meillet) (۱۸۶۶-۱۹۲۶) زبان‌شناس فرانسوی هم در متن‌های متعددی جنبه اجتماعی زبان را خاطر نشان ساخته و آن را به مثابه واقعیتی اجتماعی تعریف کرده است (Calvet, 1942).

یسپرسن (Jespersen) از نخستین افرادی است که به مطالعه در زمینه هم‌بستگی زبان و جنسیت می‌پردازد. وی با اشاره به وجود نبایدهای زبانی در برخی از جوامع غیر پیشرفته (نظیر بانتوی افریقا) بیان می‌کند که زنان در چنین جوامعی، در بسیاری از موارد، اجازه به زبان آوردن برخی از واژه‌ها یا حتی برخی از اصوات را ندارند! (Jespersen, 1922: 237-254).

سایپر (Sapir, 1929) نیز از مرز مشخص میان گفتار زنان و مردان خبر می‌دهد. وی با بررسی دو زبان انا (Yana) و چوکچیایی (Chukchi) درمی‌یابد که در زبان چوکچیایی، که در سیبری شرقی بدان صحبت می‌شود، در حوزه واج‌شناسی تفاوت‌هایی میان گفتار زنان و مردان به چشم می‌خورد (مهدی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۹-۴۰). در نگاهی کلی، به نظر می‌رسد که ارتباط میان زبان و جنسیت سابقه تاریخی طولانی دارد، اما این حوزه به عنوان رشته‌ای تحقیقاتی از آغاز دومین موج فمینیسم شروع به کار کرد.

برتون (Berton) هم شاید از نخستین کسانی باشد که به تفاوت میان گفتار زنان و مردان در برخی از جوامع زبانی اشاره کرده است. پس از او نیز راجفورت (Rocheftort, 1665) چنین تفاوتی را در زبان بومیان کارائیبی گزارش می‌دهد (مهدی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸).

ولفرام (Wolfram) از نخستین افرادی است که با در نظر گرفتن متغیر اجتماعی سن در جامعه سیاهپوستان در دیترویت اظهار می‌دارد که کاربرد صورت‌های زشت و ناپسند کلامی در دوران جوانی به اوج خود می‌رسد؛ به عبارت دیگر، تظاهر ویژگی‌های غیر معتبر در گفتار گروه‌های سنی پائین‌تر به مراتب بیش‌تر از گروه‌های سنی بالاتر است (Wolfram, 1969: 193).

لباو (Labov) نیز یکی از مهم‌ترین افرادی است که هم‌بستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شیوه‌ای علمی بیان می‌دارد. او در خلال سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ به بررسی ارتباط متغیر طبقه اجتماعی و جنسیت با زبان پرداخت. نتایج پژوهش‌های او حاکی از آن است که زنان در هر طبقه اجتماعی‌ای که باشند در مقایسه با مردان هم‌طبقه‌شان بیش‌تر از گونه‌های معیار استفاده می‌کنند (مدرسی، ۱۳۸۱؛ Labov, 1972).

ترادگیل (Trudgill) از جمله افرادی است که در زمینه گوناگونی‌های زبانی و عوامل مختلف اجتماعی پژوهشی وسیع در شهر نوریچ انجام داده است. او در بررسی‌های خود به این نتیجه دست یافت که زنان، حتی بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، نسبت به مردان رفتار زبانی معتبرتری دارند (Trudgill, 1972: 183).

کینان (Keenan) (1974) نیز به ارتباط میان زبان و جنسیت اشاره کرده است. او با بررسی رفتار زبانی ساکنان دهکده‌ای در مالاگاسی (Malagasy) به این نتیجه دست می‌یابد که زنان بیش‌تر تمایل دارند که به صورتی محتاطانه و غیرمستقیم صحبت کنند؛ در حالی که مردان، در گفتار خود، جملات امری و مستقیم بیش‌تر به کار می‌گیرند (Wardhaugh, 1992: 311). نتایج پژوهش‌های کینان را می‌توان هم‌راستا با نتایج دیگر پژوهش‌گران نظیر ترادگیل و لباو انگاشت.

مهم‌ترین بررسی درباره زبان و جنسیت را رابین لیکاف (Lakoff) انجام داده است. او به وجود گونه‌ای از زبان تحت عنوان «زبان زنانه» معتقد است و، در سه حوزه واژگان، نحو، و تلفظ به تفاوت‌های زبانی زنان و مردان می‌پردازد. لیکاف، در زمینه واژه، چگونگی کاربرد، و میزان بسامد آن سه گروه از واژه‌ها، یعنی رنگواژه‌ها، ادات، و صفات را بررسی می‌کند. نتیجه آن که زنان در انتخاب رنگواژه‌ها و به‌کارگیری آن‌ها دقت و وسواس بیش‌تری دارند (Lakoff, 1973: 49).

گوردون از دیگر پژوهش‌گرانی است که به نتایجی هم‌سان در خصوص ارتباط زبان و جنسیت دست می‌یابد. وی معتقد است که زنان با استفاده از گونه‌های زبانی معتبرتر نمی‌خواهند بهتر از آنچه هستند به نظر آیند بلکه می‌خواهند از دید منفی عموم، که برخی رفتارهای زبانی و اجتماعی را مختص اقشار پایین جامعه می‌دانند، در امان بمانند (Gordon, 1997: 48).

هادسن نیز در مطالعات خود متغیر سن را مورد توجه قرار داده است. وی بر این باور است که برخی از صورت‌ها خاص کودکان یک نسل است و ممکن است بزرگسالان

حتی یک بار هم آنها را به کار نگیرند (Hudson, 1980: 16). به بیانی دیگر، وی به گونه‌ای از زبان اشاره می‌کند که مختص گروه سنی خاصی قلمداد می‌شود.

فسولد هم در پژوهش‌های خود به متغیر اجتماعی سن می‌پردازد. به اعتقاد وی، عامل سن با کاربرد گونه‌های زبانی غیرمعتبر یا گونه‌های زبانی، که از نظر اجتماعی ناپسندند، رابطه نزدیکی دارد. وی پس از بررسی گفتار جوانان پرتوریکو در هارلم شرقی ادعا می‌کند که گفتار این جوانان به قدری با بقیه تفاوت دارد که تنها میان خودشان قابل درک است (Fasold, 1984: 91). نتیجه وی را می‌توان هم‌سو با نتایج هادسن و گوردون انگاشت.

چشایر نیز مطرح می‌کند که در محیط‌های رسمی، نظیر مدرسه، دختران و پسران هر دو مراقب نوع سخن گفتن خود هستند، اما پسران به علت فشار بیش‌تر از سوی گروه‌های هم‌سال خود کم‌تر به استفاده از صورت‌های زبانی معیار روی می‌آورند (Cheshire, 1990: 284).

از آن‌جا که تحقیقات درباره جامعه‌شناسی زبان (به‌خصوص تغییرات زبانی بر اساس متغیرهای اجتماعی) بسیار فراوانند لذا از بیان بیش‌تر مطالعات صرف‌نظر کرده و به ذکر تعدادی از تحقیقات زبان‌شناسان ایرانی می‌پردازیم.

باطنی، در مطالعات خود، دخالت عامل سن و نقش آن را در ایجاد تنوعات زبانی چنین مطرح می‌کند که فارسی نیز مانند زبان‌های دیگر دارای گونه‌های معتبری است که از جهات مختلف می‌توان آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. وی بر این باور است که این تفاوت‌ها در گروه‌های سنی گوناگون نیز نمایان است که می‌توان آن‌ها را بررسی کرد (باطنی، ۱۳۷۴: ۹).

مدرسی رابطه عامل تحصیلات را با کاربرد گونه محاوره‌ای فارسی، در میان فارسی‌زبانان تهرانی، بررسی می‌کند. وی در پژوهش‌های خود به این مورد اشاره می‌کند که حذف دو واج /t/ و /d/ در خوشه‌های هم‌خوانی پایانی با میزان تحصیلات گویش‌وران هم‌بستگی نشان می‌دهد. وی معتقد است که، با کاهش سطح تحصیلات گویش‌وران، بر میزان حذف دو واج /t/ و /d/ افزوده می‌شود. از سوی دیگر، مدرسی می‌گوید که، در یک جامعه زبانی، هر قدر میزان تحصیلات افراد بالاتر رود بخش غنی‌تر و وسیع‌تری از گنجینه زبانی در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت؛ زیرا گویش‌وران دارای مدارج تحصیلی بالاتر، علاوه بر گونه‌های محاوره‌ای، به گونه‌های سبکی رسمی‌تر نیز تسلط خواهند داشت (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۹۹).

همان‌طور که دیده شد مطالعاتی بسیار گسترده در زمینه هم‌بستگی عوامل اجتماعی و

زبانی صورت گرفته است که هر یک می‌تواند الگویی برای انجام‌دادن تحقیق حاضر باشد. در بخش بعد، به توصیف جامعه شهری گرگان و خصوصیات تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، و زبانی آن می‌پردازیم.

۲.۲ جامعه شهری گرگان

حرکت آریایی‌ها به سوی ایران به پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. اقوام آریایی که فلات گسترده ایران را برای مسکن خود انتخاب کردند، به دوازده گروه عمده تقسیم شدند: مادها، پارس‌ها، هیرکانی‌ها، پارت‌ها، آریان‌ها، آراختیان، باکتریان، سغدیان، و خوارزمیان که در این میان هیرکان‌ها در استرآباد یا گرگان امروزی سکنا گزیدند. گرگان شهری است باستانی در جنوب شرقی دریای خزر. این شهر را در زبان باستانی گورکان یا ورکان و در زبان یونانی هرکان یا هیرکان و در زبان عربی جرجان می‌نامیدند.

درحقیقت، این سرزمین یکی از قدیمی‌ترین ایالت‌های ایران و مرکز عمده تمدن‌نشین آریایی‌ها در شمال ایران بوده است. در نوشته‌های مورخان یونانی در ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و در حجاری‌های عهد هخامنشیان، از جلگه گرگان به نام مملکتی فعال و آباد یاد شده است. همچنین هیرکانی نام یونانی منطقه‌ای بوده که در کتیبه داریوش (بیستون) به صورت ورکانه از آن نام برده شده است (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۱۹). دشت گرگان، از زمان هخامنشیان به بعد، به صورت ایالتی با تشکیلات منظم درآمد که وسعت آن به‌تنهایی بیش از وسعت ایالت طبرستان و گیلان بود. در زمان سامانیان، این ایالت به همراه چند ایالت دیگر در مجموعه سرزمین خوراسان قرار گرفت (همان). با وجود این تمدن کهن، تاریخی پرفراز و نشیب، و دانشمندانی نام‌دار و اقوامی مقتدر، گرگان جایگاهی رفیع و ارزش‌مند در تاریخ و تمدن باشکوه ایران دارد. از دانشمندان این سرزمین می‌توان به عنصرالمعالی کیکاووس (نویسنده قابوس‌نامه) اشاره کرد؛ و نیز عبدالقاهر جرجانی از دانشمندان ادب در قرن پنجم هجری که او را می‌توان بنیان‌گذار علم معنی دانست (Versteegh, 1997: 17).

به لحاظ جغرافیایی، این شهر در دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای واقع شده است. منطقه کوهستانی دنباله کوه‌های البرز شرقی بوده و نیمه جنوبی آن را دربر گرفته است و منطقه جلگه‌ای در نیمه شمالی آن و در اطراف رودخانه قره‌سو قرار دارد. مساحت گرگان ۱۶۱۶ کیلومترمربع تخمین زده می‌شود و بیش‌ترین جمعیت این شهرستان در

حداصل کوهپایه‌های البرز متمرکزند. جمعیت اصلی شهرستان گرگان را فارس‌های بومی و مهاجر تشکیل داده‌اند و تنها شماری اندک از آن‌ها را اقوام ارامنه، شاهرودی، قزاق، و طبری تشکیل می‌دهند که در شهر گرگان و روستاهای اطراف آن به‌سر می‌برند (زنده‌دل، ۱۳۷۹: ۳۱).

به لحاظ زبانی، جامعه شهری گرگان امروزه از واژه‌های زبان رسمی کشور استفاده می‌کند و تنها تعدادی اندک واژه‌های خود را حفظ کرده که در مواردی خاص آن را به‌کار می‌گیرند. پژوهش حاضر بر آن است تا به علل زوال این گویش بپردازد.

۳. روش تحقیق

داده‌های تحقیق حاضر از طریق مصاحبه با افراد بر اساس پرسش‌نامه تدوین شده (← پیوست) گردآوری شده‌اند. در گردآوری، عامل اجتماعی سن در مرتبه نخست قرار دارد، که به سه گروه سنی (۱۸-۳۰، ۳۰-۵۰، و ۵۰ به بالا) تقسیم شده و برای هر گروه سنی ۵۰ نمونه در نظر گرفته شده است. از آن‌جا که گویش‌وران گروه سوم (۵۰ به بالا) از دو گونه گفتاری متفاوت، با توجه به سن مخاطب، استفاده می‌کردند، دو پرسش‌نامه مجزا برای هر گونه پر شده است. عامل بعدی که در تحقیق مورد توجه قرار گرفت جنسیت است، که در دو گروه جنسی با تعداد نمونه‌های ۵۰ نفر قرار گرفتند.

۴. تحلیل داده‌ها

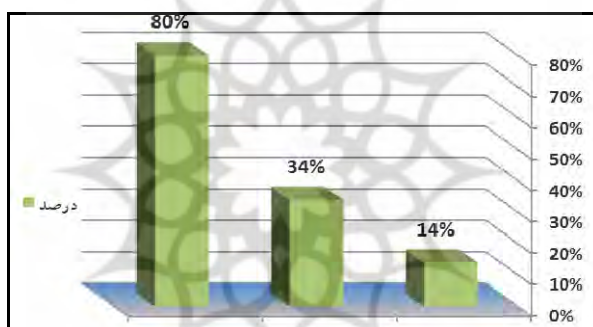
۱.۴ متغیر سن

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد سن از عوامل اجتماعی است که در پیدایش تنوعات زبانی جامعه نقشی عمده دارد. اگرچه سن در اساس جنبه‌ای زیست‌شناختی دارد، در هر صورت، عاملی اجتماعی نیز محسوب می‌شود. به طور کلی، اعضای یک جامعه زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی از جمله آن‌هاست (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۹۷). در جامعه زبانی شهر گرگان نیز عامل سن نقشی مهم در تغییر در میزان کاربرد واژگان گرگانی بازی می‌کند. تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که میزان کاربرد واژه‌های گرگانی در گروه‌های سنی پایین‌تر کاهش می‌یابد، حال آن‌که افراد مسن تمایل بیشتری به استفاده از این واژه‌ها نشان می‌دهند.

جدول ۱. درصد کاربرد واژه‌های گرگانی در سه گروه سنی

گروه‌های سنی	درصد
۱۸ تا ۳۰ سال	۱۴
۳۰ تا ۵۰ سال	۳۴
۵۰ سال به بالا	۸۰

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال تنها تعداد کمی از واژه‌های گرگانی را در ارتباطات کلامی خود به کار می‌گیرند؛ حال آن‌که در گروه سنی ۵۰ به بالا اکثر واژه‌های به کار گرفته شده گرگانی است. از این رو، به منظور برقراری ارتباط میان این دو گروه، گروه سنی ۵۰ به بالا میزان کاربرد واژه‌های گرگانی خود را در برخورد با گروه‌های سنی پایین‌تر به نصف کاهش می‌دهد که نمودار آن را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:



نمودار ۱. درصد کاربرد واژه‌های گرگانی در سه گروه سنی

بر این اساس، علت باقی ماندن برخی واژه‌ها در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۳۰ را می‌توان این‌گونه توجیه کرد:

۱.۱.۴ واژه‌هایی که معادلی در فارسی معیار ندارند

بر اساس مطالعات انجام گرفته، در این زبان، واژه‌هایی وجود دارد که معادلی برای آن در فارسی معیار وجود ندارد. به عبارت دیگر، معادل آن در فارسی معیار به صورت یک گروه یا عبارت بیان می‌شود و تعریفی است از واژه یادشده در زبان معیار. بر اساس اصل اقتصاد زبانی، افراد این گروه سنی، به منظور بیان مصادیق، از واژه‌های گرگانی آن استفاده می‌کنند. به بیانی دیگر، این اصل گویش‌وران را بر آن می‌دارد که، به جای استفاده از تعاریف چندواژه‌ای، با استفاده از نمادی مختصر از زبان مبدأ، مفهوم را سریع‌تر بیان دارند. برای نمونه کاربرد واژه

گرگانی «سسکه» /seske/ به جای عبارت «ذرات آب پاشیده شده» یا از واژه «پزقه» /Pezqe/ برای اشاره به «تکه های ذغال گداخته که از آتش بیرون می جهد» استفاده می کنند. یکی دیگر از واژه هایی که معادلی در فارسی معیار ندارد، واژه «سوسکه» /su:ske/ است. اکثر گویشوران گرگانی با نشان دادن سنجاق سرهای قدیمی مشکی رنگ از این واژه استفاده کرده و آن را نوعی از سنجاق معرفی می کنند. به بیان دیگر، برای این افراد واژه «سوسکه» بر نوعی از سنجاق سر دلالت کرده و واژه «سنجاق» واژه ای شامل بر آن قلمداد می شود.

۲.۱.۴ واژه هایی که تفاوت بسیار کمی با فارسی معیار دارند

بررسی انجام شده نشان می دهد که، در صورت وجود تفاوت جزئی در صورت واژه گرگانی نسبت به فارسی معیار، گویشوران گروه های سنی پائین تر حساسیتی نسبت به کاربرد آن نشان نمی دهند. مثلاً، واژه «آلوگوجه»، که معادل فارسی معیار آن «گوجه سبز» است، بسامد وقوع بالایی دارد و تنها تعداد کمی از افراد (۲ درصد) از کاربرد آن پرهیز می کنند. حال آن که تمایل به استفاده از واژه هایی که تفاوت فاحشی با صورت معیار دارند بسیار کم است. برای نمونه، اکثر گویشوران زیر ۵۰ سال از گفتن واژه «لبلبو» به جای «تمشک» پرهیز می کنند. نکته دیگری که بیان آن ضروری می نماید وجود تغییرات در نظام واجی این زبان بر پایه متغیر سن است. براساس مطالعات انجام گرفته، واج /ew/ در واژه های تولید شده گویشوران بالای ۵۰ سال کاملاً مشهود است. مثلاً، تمام گویشوران بالای ۵۰ سال که از واژه «جيجوزدن» در برابر واژه «دورزدن» و «گردش کردن» استفاده می کردند، در تلفظ حرف پایانی جزء اسمی واژه، از واج یاد شده بهره می بردند. در صورتی که این واج در گفتار گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال به ندرت دیده می شود. نکته حائز اهمیت آن است که وجود این واج در نظام واجی گویشوران ۵۰ سال به بالا آنان را بر این می دارد که از واج یاد شده در واژه های فارسی معیار هم بهره گیرند؛ مثلاً، جزء اسمی واژه ای نظیر «دورزدن» در گفتار این افراد به صورت /dewr/ بازنمون می شود.

۲.۴ متغیر جنسیت

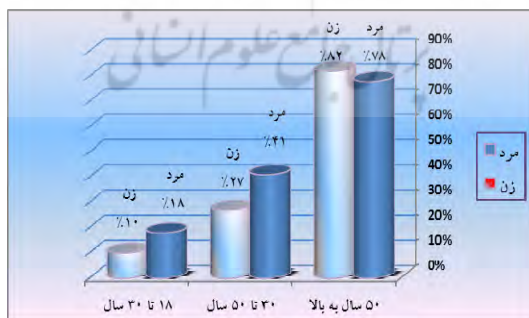
زنان و مردان در بیش تر جوامع با یکدیگر در ارتباط اند و ظاهراً موانع معدودی بر ارتباطات میان این دو جنس اثر می گذارد (Trudgill, 1972: 103). پژوهش ها حاکی از آن است که این متغیر تنوعات زبانی بسیاری را موجب می شود. اما جامعه زبانی شهر گرگان گوناگونی اندکی را بر پایه این متغیر اجتماعی نشان می دهد.

در جامعهٔ زبانی نمونه، میزان کاربرد واژه‌های گرگانی در سنین ۵۰ به بالا نسبت به عامل اجتماعی جنسیت در میزان کاربرد واژه‌های گرگانی نقشی ندارد. حال آن‌که در گروه‌های سنی پایین‌تر، یعنی گروه‌های ۱۸ تا ۳۰ سال و ۳۰ تا ۵۰ سال نقش عامل جنسیت در بروز تنوعات پرننگ‌تر می‌شود. به این معنا که میزان کاربرد واژه‌های گرگانی در گروه‌های سنی یک‌سان (۱۸ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۵۰) در زنان کاهش یافته و این خود تمایل بیش‌تر زنان گرگانی را بر استفاده از واژه‌های فارسی معیار نشان می‌دهد. در این تحقیق، مردان در گروه‌های سنی یادشده بیش از زنان از واژه‌های گرگانی استفاده کرده‌اند.

جدول ۲. میزان استفاده از واژه‌های گرگانی در گروه‌های سنی یک‌سان با توجه به متغیر جنسیت

گروه سنی	زن (درصد)	مرد (درصد)
۵۰ سال به بالا	۸۲	۷۸
۳۰ تا ۵۰ سال	۲۷	۴۱
۱۸ تا ۳۰ سال	۱۰	۱۸

جدول فوق نشان می‌دهد که میزان کاربرد واژه‌ها در سنین بالای ۵۰ سال در زنان ۴ درصد بیش از مردان است. به بیانی دیگر، بر اساس پژوهش انجام گرفته، ۸۲ درصد از زنان بالای ۵۰ سال از واژه‌های اصیل گرگانی در بیان مفاهیم استفاده می‌کردند. این میزان در مردان به ۷۸ درصد کاهش می‌یابد که البته تفاوت معنی‌داری محسوب نمی‌شود. شاید بتوان ارتباط بیش‌تر مردان با فضای خارج در این سنین را عاملی بر این تفاوت اندک دانست. به عبارتی، در جامعهٔ زبانی مورد تحلیل، اکثر زنان خانه‌دار بوده و ارتباط اندکی با جوامع زبانی دیگر داشتند، حال آن‌که ارتباط مردان در قیاس با زنان به واسطهٔ شغلشان با جوامع زبانی دیگر بیش‌تر و، در نتیجه، تمایل بر استفاده از واژه‌های زبان معیار در آن‌ها دیده می‌شد.



نمودار ۲. درصد کاربرد واژه‌های گرگانی براساس متغیر جنسیت

همان‌گونه که در نمودار بالا نیز مشهود است، کاربرد واژه‌های گرگانی در مردان گروه‌های ۱۸ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۵۰ بیش از زنان است که این خود مؤید این ادعاست که زنان در استفاده از واژه‌های معیار حساس‌تر از مردان‌اند. بر اساس آنچه مطرح شد، به‌نظر می‌رسد متغیر اجتماعی سن در کاربرد واژه‌های گرگانی عاملی اصلی بوده و متغیر جنسیت عاملی فرعی تلقی می‌شود. به بیان دیگر، گوییش‌وران در گذر زمان تمایل به استفاده از واژه‌های زبان معیار را پیدا کرده‌اند که این امر در متغیر سن کاملاً مشهود است. به‌علاوه، کم‌شدن میزان استفاده در سنین پایین ۵۰ سال گواه زوال این زبان بر اساس متغیر یاد شده است و، همان‌گونه که بیان شد، متغیر جنسیت تفاوتی معنی‌دار در استفاده از واژه‌های گرگانی را نشان نمی‌دهد و تنها در سنین زیر ۵۰ سال می‌توان تمایل و جهت‌گیری زنان را به استفاده از فارسی معیار، نسبت به مردان، مشاهده کرد.

۵. نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که عوامل اجتماعی سن و جنسیت در گوناگونی کاربرد واژه‌ها مؤثر است.

در این میان، عامل سن بسیار مهم است، به این معنا که با بالا رفتن سن میزان کاربرد واژه‌های گرگانی افزایش یافته و هرچه سن فرد کاهش می‌یابد از میزان این کاربرد کاسته می‌شود که این خود تهدیدی است بر بقای این گویش. نکته قابل اشارهٔ دیگر آن است که نه تنها واژه‌های این گویش رو به زوال است بلکه برخی واج‌های آن نیز با تغییر در عامل سن در حال از بین رفتن است. البته این امر را می‌توان نتیجه‌ای فرعی بر این تحقیق دانست که خود نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تری است، مثلاً واج /ew/ در این گویش تنها در گروه سنی بالای ۵۰ یافت می‌شود. پس می‌توان ادعا کرد که نه تنها واژه‌های این زبان با در نظر گرفتن عامل سن رو به نابودی است بلکه واج‌های آن نیز در چنین روندی قرار گرفته‌اند.

یکی دیگر از عوامل اجتماعی که دگرگونی‌های واژه را موجب شده جنسیت افراد است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان داد که میزان استفاده از واژه‌های گرگانی در سنین بالای ۵۰ سال فاقد هرگونه دگرگونی از جنبهٔ متغیر جنسیت است، حال آن‌که، در دو گروه سنی پایین‌تر، این متغیر نقشی پررنگ‌تر ایفا می‌کند. به این معنا که زنان (در دو گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۵۰) تمایل کم‌تری به استفاده از واژگان گرگانی و واج‌های خاص این گویش دارند. حال آن‌که مردان این گروه‌های سنی حساسیت کم‌تری نسبت به این کاربرد دارند.

عامل سوم مؤثر در دگرگونی کاربرد واژه میزان تحصیلات فرد است. در این تحقیق، عامل تحصیلات را می‌توان عاملی چندوجهی دانست، زیرا مستقیماً با مهاجرت هم‌بستگی نشان می‌دهد. به این معنا که میزان کاربرد واژه‌های گرگانی در افراد بی‌سواد و کم‌سواد (زیر دیپلم) بیش‌تر از افراد دانشگاهی است. اما نکته این‌جاست که، به علت دخالت عامل مهاجرت برای تحصیل و تغییر مکان زندگی گویش‌وران، میزان کاربرد واژه‌ها با در نظر گرفتن عامل تحصیلات به شکل خاص دچار دگرگونی شده است و این خود نیازمند تحلیلی متفاوت است.

منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین*، تهران: آگاه.
- ترداگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- زنده‌دل، حسن (۱۳۷۹). *مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان گلستان*، تهران: ایران‌گردان.
- کالوه، لویی ژان (۱۳۷۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- مهدی‌پور، مرجان (۱۳۷۸). «بررسی قدرت در گفتار زنان و مردان فارسی‌زبان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- وود، جیمز (۱۳۶۹). *دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: کیهان.

- Chambers, J. K. and Peter Trudgill (1980). *Dialectology*, London: Cambridge University Press.
- Cheshire, J. (1987). *Age and Generation, Specific Use of Language*, London: Edward Arnold.
- Fasold, R. (1984). *The Sociolinguistics of Society*, Oxford: Basil Blackwell.
- Gordon, E. (1997). 'Sex, Speech and Stereo Type why Women Use More Prestige Speech Forms More than Men?', *Language in society*, 26,47-63.
- Hudson, R. (1980). *Sociolinguistics*, London: Cambridge University press.
- Jespersen, O. (1922). *Language: It's nature, development and origin*, London: George Allen and Uwhin.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistics patterns*, Philadelphia: University of Pennsylvania press.
- Lakoff, R. (1973). *The logic of politeness: Minding your psqs*, Chicago linguistics society.
- Macaulay, R. K. S. (1977). *Language Social and Education, A Glasgow study*. Edinburg university press.
- Trudgill, P. (1972). *Sex, covert prestige and linguistic change in the urban British of Norwich*, Cambridge University press.

- Versteegh, K. (1997). *Landmarks in linguistic thought: the Arabic linguistic tradition*, Routledge.
- Wardhaugh, R. (1992). *An introduction to sociolinguistics*, Oxford: Blackwell.
- Weatherall, A. (2002). *Gender, Language and Discourse*, Routledge.
- Wolfram, W. (1969). *A Sociolinguistics is description of Detroit negro speech*, Washington D.C: Center for applied linguistics.

